

بررسی تحلیلی ساخت عبارت فعلی در زبان فارسی

عباسعلی وفايي *

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران

رقیه کاردل ایلواری **

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۰۸/۰۱، تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۱۱/۱۷)

چکیده

رکن اصلی و تفکیک‌ناپذیر جمله فعل است و ساختمان آن دارای اشکالی چون: فعل ساده، پیشوندی، مرکب، پیشوندی مرکب، عبارت فعلی و فعل‌های لازم یک‌شخصه می‌باشد. بحث و بررسی‌های زیادی در خصوص ساختمان فعل صورت گرفته است، لیکن درباره ساختمان عبارت فعلی، به‌صورتی بایسته، پژوهشی جامع صورت نگرفته است. در این مقاله کوشش می‌شود تا با توجه به‌نظر دست‌نویسانی چون خانلری، احمدی گیوی، ابوالقاسمی، انوری، فرشیدورد و ارژنگ و زبان‌شناسانی چون مشکوة‌الدینی، باطنی، وحیدیان کامیار و طبیب‌زاده، به عبارت فعلی پرداخته شود و با نقد و تحلیل هر یک از آنها، به درستی و نادرستی و نیز اختلاف دیدگاه‌ها اشاره و در این مباحث، نظر نگارندگان ارائه گردد. لذا هدف این نوشتار، این است که به تبیین نظرات دست‌نویسان سنتی و جدید و تعریف دقیق‌تر و علمی‌تری که از سوی آنها ارائه شده است، بپردازد و در نهایت، با تحلیل ساخت عبارت فعلی، آن را از دو بُعد ساختاری و معنایی مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: فعل، عبارت فعلی، فعل مرکب، گروه فعلی، ساختمان

فعل

*. E-mail: a_a_vafaie@yahoo.com

** E-mail: Lateletka@yahoo.com

مقدمه

بیان مسئله

با توجه به موضوع، عبارت فعلی یکی از اقسام فعل است که شکل ظاهری آن، شامل چند کلمه (حرف اضافه + اسم / صفت + مصدر) است ولی معنای آن در حکم یک فعل ساده یا مرکب و گاهی عبارت فعلی دیگری است؛ ساختاری از فعل است که نسبت به دیگر ساختارهای آن کمتر به آن توجه شده و یا در بعضی از کتب دستوری به آن پرداخته نشده است و یا توسط بعضی از زبان‌شناسان و دستورنویسان جدید از آن به‌عنوان دیگری (افعال اصطلاحی، افعال جانمایی، گروه فعلی، فعل گروهی) یاد شده است. زبان‌شناسان ایرانی هم با توجه به مسائل زبان‌شناسانه، تعریفی سوازی تعریف خانلری، از عبارت فعلی می‌کنند و هر عبارتی را که دارای معنای ثانوی باشد - مثل کنایه، ضرب‌المثل و ... - عبارت فعلی می‌دانند. در کتاب *از واج تا جمله* (مدرسی، ۱۳۸۶: ۳۴۶) مؤلف در بحث معناشناسی جملاتی را از لحاظ معنایی بررسی کرده و ذیل جملات کنایی می‌نویسد:

«این‌گونه جملات معنای دوگانه دارند که معنای اول جمله، مستقیماً در رابطه با جمله است و معنای ثانوی برپایه آگاهی‌های قبلی شکل می‌یابد. برای نمونه:
من تو را عاقل‌تر از این می‌دانستم = یعنی کاری که انجام دادی، عاقلانه نبود.»

به‌جز خانلری و هواداران وی، دیده نشده است که به این قسم از فعل بهای چندانی داده باشند و آنچه هواداران نوشته‌اند نیز چیزی جز نقل قول مستقیم و غیر مستقیم از خانلری نبوده است. بعد از خانلری، احمدی گیوی (۱۳۸۰: ۱۱۲۷-۱۱۴۱) در کتاب *دستور تاریخی فعل*، با تکیه بر نظر خانلری (حرف اضافه + اسم / صفت + مصدر) اقسامی از آن را بیان کرده است.

اهمیت موضوع

عبارت فعلی ساختار و معنایی گسترده‌تر از آن چیزی دارد که تاکنون آموخته‌ایم و جدا از بحث ساختاری (structural)، بحث معنایی (semantic) آن وارد بحث مجاز، کنایه و معنای ثانوی شده، ما را به علم معنایی نزدیک می‌کند و زبان فارسی نیز از جمله زبان‌هایی است که معنا در کنار لفظ، جایگاه والایی دارد. می‌توان از ساختار عبارت فعلی، در معادل‌سازی و فارسی‌سازی استفاده کرد و مترجمان می‌توانند به‌جای وارد کردن اصطلاحات بیگانه، با استفاده از ساختار عبارت فعلی، معنای معادل آنها را بسازند و در امر ترویج و حفظ و نگهداری زبان کوشا باشند.

فرضیه

- الف) آیا عبارت فعلی تک‌ساختاری است و یا گسترده‌تر از ساختاری است که تاکنون آموخته‌ایم؟
- ب) آیا این مقوله از فعل، در معادل‌سازی و ساختن ترکیب‌های جدید، به‌ویژه در امر ترجمه، به ما کمک می‌کند؟
- ج) میزان استفاده فارسی‌زبانان از عبارت فعلی چه مقدار است؟ آیا امروزه در حفظ زبان فارسی و ترویج آن، از این ساختار استفاده می‌شود یا خیر؟

ساختمان فعل

فعل یکی از اقسام کلمه است که از مهم‌ترین مقوله‌های آن به‌شمار آمده است و از حیث ساختمان انواعی دارد که شامل فعل ساده، مرکب، پیشوندی، پیشوندی مرکب، عبارت فعلی و فعل‌های لازم یک‌شخصه می‌باشد.

عبارت فعلی

نظریات جدیدی در ساختار و معنای عبارت فعلی ارائه شده است. قسمت نخست، در زبان‌های ترکیبی که زبان فارسی نیز از شمار آنهاست، دارای اهمیت زیادی است و عدم

توجه به آن در بسیاری از ساخت‌ها، موجب ازدست‌دادن پیام واقعی می‌گردد و مراد نویسنده یا گوینده گم می‌شود.
مدرسی (۱۳۸۶: ۳۴۶) جمله‌ها را از حیث معنایی مورد بررسی قرار می‌دهد و در ذیل جمله‌های کنایی می‌نویسد:

«این‌گونه جملات معنای دوگانه دارند که معنای اول جمله، مستقیماً در رابطه با جمله است و معنای ثانوی برپایه آگاهی‌های قبلی شکل می‌یابد.
برای نمونه:
من تو را عاقل‌تر از این می‌دانستم = یعنی کاری که انجام دادی، عاقلانه نبود».

هدف این نوشتار، بررسی عبارت فعلی از جنبه ساختاری و معنایی و تقسیم‌بندی آن به بسته‌های جدیدی از عبارت، با تکیه بر نظریات زبان‌شناسان و دستورنویسان است. این پژوهش به کمک زبان‌آموزان خارجی می‌آید تا نیاز امروز آنها را برطرف سازد و آیندگان را نیز برای فهم زبان امروز یاری رساند، زیرا ممکن است کاربردهای امروزی این‌گونه افعال براساس تحولات گسترده اجتماعی، دستخوش فراموشی شود.

نام‌های گوناگون عبارت فعلی در زبان و ادب فارسی

ساختمان فعل در زبان فارسی از تنوع بسیاری برخوردار است. در یک تقسیم‌بندی مختصر، ساختمان افعال در دو دسته ساده و مرکب قرار می‌گیرد که مرکب را پیوندی و عبارت فعلی دانسته‌اند؛ لیکن به‌منظور پرداختن دقیق به ساختمان افعال، نیکوتر آن است که به شش قسمت - که تلفیقی است از نظرات دستورنویسان و زبان‌شناسان - اشاره شود. در این تقسیم‌بندی، عبارت فعلی خود یک ساختمان ویژه برای فعل به‌شمار آمده است.

الف) عبارت فعلی

خانلری (۱۳۶۶: ۱۱۲۳-۱۱۲۶) و طیب‌زاده (۱۳۸۵: ۹۲) از آن به «عبارتی که در حکم فعل است، ولی به ساختار یک جمله نرسیده است»، یاد می‌کنند.

ب) گروه فعلی

زبان‌شناسان و برخی دستورنویسان، اصطلاح گروه فعلی را مناسب دانسته، آن را ترجمه واژه انگلیسی (phrase) می‌دانند. آنها یک کلمه (فعل) را گروه می‌نامند که این نام‌گذاری با معنای لغوی واژه سنخیتی ندارد. معمولاً گروه به واژگانی چند اطلاق می‌شود که نقش نحوی واحدی را در جمله به‌عهده دارند.

ج) فعل گروهی

گروهی دیگر، چون مدرسی و ارژنگ، از آن تحت‌عنوان «فعل گروهی» یاد می‌کنند. ارژنگ ساختمان فعل را به چهار دسته ساده، پیشوندی، مرکب و گروهی تقسیم می‌کند. وی در خصوص «فعل گروهی» می‌نویسد:

«گاهی گروهی از کلمات در کنار هم می‌آیند و مفهوم واحدی را می‌رسانند. این‌گونه فعل‌ها (فعل گروهی) نامیده می‌شوند» (ارژنگ، ۱۳۸۷: ۱۶۱).

د) افعال اصطلاحی

طیب‌زاده (۱۳۷۳ الف: ۳۱-۳۶) با به‌کارگیری افعال اصطلاحی، در این‌باره می‌نویسد:

«یکی از عناصر واژگانی که باید در دستورها و فرهنگ‌های عمومی زبان فارسی شرح و ضبط شود، افعال اصطلاحی (idiomatic verbs) یا چنان‌که دکتر خانلری نامیده، عبارات فعلی (verbal expressions)

است. این افعال از نظر نقشی (functional) به عنوان یک کل واحد با مقوله فعل در جمله عمل می کنند».

ه) افعال جانشین

برخی از اصطلاح «افعال جانشین» نام می برند و در تعریف آن می نویسند:

«افعالی است که در این مقاله به قیاس تقسیم بندی برخی از افعال (در کتاب دستور تاریخی فعل) افعال جانشین نام گرفته (احمدی گیوی: ۱۲۰۴)» (سلطانی، ۱۳۸۶: ۴۸).

افعال جانشین، افعالی هستند که بدون در نظر گرفتن ساختار و زمان فعل، در افاده معنای فعل تأثیری بیش از فعل اولیه دارند. به نظر می رسد منظور از افعال جانشین، همان عبارتهای فعلی باشند که در ادامه در این خصوص بحث خواهد شد.

عبارت فعلی و دستور نویسان

۱. عبارت فعلی از دیدگاه خانلری

خانلری تنها پژوهشگری است که عبارتهای فعلی (افعال اصطلاحی) را به گونه ای نظام مند و در کنار سایر افعال فارسی بررسی کرده است. او فعل فارسی را از نظر ساختمان به پنج نوع تقسیم کرده است:

«ساختمان فعل:

۱- ساده، ۲- پیشوندی، ۳- مرکب، ۴- عبارت فعلی و ۵- ناگذر».

خانلری درباره عبارت فعلی می نویسد: «اصطلاح عبارت فعلی را در اینجا به دسته ای از کلمات اطلاق می کنیم که از مجموع آنها معنای واحدی حاصل می شود و غالباً معادل با مفهوم یک فعل ساده یا یک فعل مرکب است. این تعریف شامل عبارتهایی است که علاوه بر این نکته، دارای شرایط ذیل باشند:

الف- بیش از دو کلمه باشند. ب- یکی از مجموع کلمات عبارت حرف اضافه باشد. ج- مجموع عبارت، معنای مجازی داشته باشد، یعنی مفهوم صریح هیچ‌یک از اجزاء مراد نباشد یا به ذهن شنونده نیاید.

برای مثال یک عبارت فعلی را در نظر می‌آوریم:

از پای درآمدن = افتادن

در اینجا، چهار جزء هست (از + پای + در + آمدن) که یکی از آنها حرف اضافه است (از) و در مجموع آنها نه معنای پای منظور است، نه معنای آمدن یا درآمدن و مجموع این چهار کلمه یک معنای مجازی دارد که معادل افتادن است» (خانلری، ۱۳۶۶: ۳۱۴-۳۲۰). وی بر آن است که این نوع از عبارت‌ها در فارسی زیاد دیده می‌شود و نقش یک فعل ساده یا مرکب را ایفا می‌کند. خانلری در ادامه می‌نویسد:

«عبارتهایی وجود دارد که حرف اضافه آنها حذف و ساختار آنها با فعل

مرکب یکسان می‌شود.

به فریاد خواندن = فریاد خواندن

همی برخوردار شوید و فریاد خواند

جهان را سراسر سوی داد خواند

(شاهنامه ۴۷)» (خانلری، ۱۳۶۶: ۳۱۴-۳۲۰).

خانلری بر آن است که این شیوه به گذر زمان رایج‌تر می‌شود و امکان حذف حرف اضافه افزایش می‌یابد تا جایی که در زبان محاوره امری عادی تلقی خواهد شد. وی فعل را پایه اصلی عبارت فعلی می‌داند. به نظر می‌رسد که این مقوله، فعل نیست، بلکه مصدر است؛ مانند «از پای درآمدن» که تشکیل شده است از: حرف اضافه + اسم + پیشوند فعل + مصدر فعلی. کلمه «آمدن» از لحاظ ساختاری و صوری، مصدر است، اما در معنای فعلی است نه اسمی. اکنون جهت استناد کلام، از تعریف مصدر در دستور زبان فارسی ۲ (احمدی گیوی، ۱۳۸۲: ۲۱) کمک می‌گیریم: «وقتی که بن ماضی فعلی با پسوند -ن ترکیب شود، مفهوم اصلی فعل را - بی‌آنکه مفهوم‌های زمان و شخص را دربرداشته باشد - می‌رساند. مانند (خوردن). در خوردن نه مفهوم زمان است نه شخص. خوردن و کلمه‌های مانند آن را مصدر می‌نامند».

۲. عبارت فعلی از دیدگاه احمدی گیوی

احمدی گیوی ساختمان فعل را به هفت بخش تقسیم می‌کند: ۱- ساده، ۲- پیشوندی، ۳- فعل مرکب، ۴- پیشوندی مرکب، ۵- عبارت فعلی، ۶- گروه فعلی و ۷- فعل ناگذر یک‌شخصه.

«عبارت فعلی به دسته‌ای از کلمه‌های وابسته به هم گفته می‌شود که از مجموع آنها معنای واحدی حاصل می‌شود و آن اغلب معادل مفهوم یک فعل ساده یا یک فعل مرکب است. عبارت‌های فعلی افزون بر تعریف بالا باید شرایط زیر را دارا باشند:

۱- بیش از دو کلمه باشند، ۲- یکی از کلمه‌های عبارت حرف اضافه باشد، ۳- مجموع عبارت معنای مجازی داشته باشد، یعنی مفهوم صریح هیچ‌یک از اجزاء مورد نظر نباشد یا به ذهن شنونده نیاید چنانکه از پای درآمدن از چهار جزء تشکیل شده، معنای هیچ‌یک از پا، درآمدن و یا آمدن در آن مورد نظر نیست و مجموع این چهار جزء «افتادن» است» (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۱۱۲۳-۱۱۲۶).

باید افزود که:

الف) در عبارت فعلی گاهی با وجود معنای مجازی که مورد نظر است، معنای حقیقی نیز همچنان برجای می‌ماند. مانند «از دنیا رفتن» که مراد از آن مردن است، اما معنای «از این دنیا به آن دنیا رفتن» را نیز کماکان داراست.

ب) در عبارت فعلی عنصر غیر فعلی معمولاً اسم است که حرف اضافه بر سر آن می‌نشیند؛ مانند دشمن از میان رفت؛ اما در متون کهن گاهی به جای اسم، صفت نشسته است؛ مانند: شما گفت‌وگوی در باقی کنید (ژنده پیل / ۴۵) (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۱۱۲۳-۱۱۲۶).

ج) معمولاً در آغاز عبارت فعلی یک حرف اضافه می‌آید که کاربرد «از» بیش از دیگر حروف اضافه است؛ مانند: از پای افتادن، از جان برآمدن.

عبارت‌های فعلی به گذر زمان دچار دگرگونی‌هایی شده‌اند و بعضی از آنها ساختار کهن خود را از دست داده و شکل جدیدی به خود گرفته‌اند.

احمدی گیوی عبارت فعلی را از لحاظ تاریخی به انواعی تقسیم کرده است (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۱۱۲۳-۱۱۲۶).

زنده و پویا، نوساختار و عامیانه (گفتاری)، کهن‌ساختار، کهن با فعلی غیر از فعل متداول امروزی، کهن با حرف اضافه نامتداول، کهن با حرف اضافه زایدنما، با حذف حرف اضافه، ویژه.

۳. عبارت فعلی از دیدگاه ابوالقاسمی

«عبارت فعلی، که دست‌کم از سه جزء تشکیل شده و یکی از آنها حرف اضافه است و معنای کنایی دارد، در فارسی دری فراوان است: از پا در آمدن، از پا در آوردن» (ابوالقاسمی، ۱۳۸۵: ۲۲۴). ابوالقاسمی در جایی دیگر به ذکر شاهد مثال‌هایی از فارسی میانه زردشتی می‌پردازد:

«pad dast dāštan: به‌دست‌داشتن (تسلط‌داشتن)» (ابوالقاسمی، ۱۳۸۵: ۱۸۴).

در کتاب دستور تاریخی زبان فارسی (ابوالقاسمی، ۱۳۸۵) گفته شده است که در هر دوره زبانی (ایرانی باستان، ایرانی میانه غربی و فارسی دری)، دستگاه‌های مختلفی جهت واژه‌سازی وجود داشته‌اند که شامل مشتق، مرکب، بسیط و عبارت بوده‌اند. در تعریف وی در مورد عبارت آمده است که:

«عبارت واژه‌ای است که از چند جزء تشکیل شده است و عبارت‌های ایرانی باستان صفت‌اند. مثال از اوستایی: xšmaibya-gaus-urva: صفت به‌معنای دارنده xšmaibya-gaus-urva» (ابوالقاسمی، ۱۳۸۵: ۳۱۵).

واژه‌سازی در ایرانی میانه غربی عبارت است از: بسیط و مشتق و مرکب و عبارت. واژه‌سازی در فارسی دری، بسیط و مشتق و مرکب و عبارت بوده و نیز عبارت فعلی، عبارتی است که نقش فعل را در جمله پر می‌کند و در جایگاه فعل قرار می‌گیرد. بنا بر نظر ابوالقاسمی، فعل‌هایی که از دو جزء تشکیل شده‌اند، هر یک از اجزاء آنها را می‌توان پس و پیش کرد. ابوالقاسمی در توضیح مثالی می‌آورد: به‌جای عبارت «مانده نبود»، می‌توان از «نبود مانده» و «نمانده بود» استفاده کرد و

ترتیب و نظام خاصی برای آن قائل نشد: «هرجایی یکی برخاست و پادشاهی همی گرفت و به دست ایشان جز اقلیم بابل نبود مانده» (ابوالقاسمی، ۱۳۸۵: ۳۵۷).

۴. عبارت فعلی از دیدگاه فرشیدورد

فرشیدورد از دستورنویسان برجسته زبان فارسی است که در ارائه نظریات خود از دستور قدیم پیروی می‌کند و هر جا که لازم باشد، از مبانی زبان‌شناسی، جهت تبیین کلام استفاده می‌کند. ایشان در همه جا از گروه به جای عبارت استفاده کرده است و هیچ مرز مشخصی بین افعال مرکب و گروه فعلی قائل نشده است. پیش‌تر بیان شد که فرشیدورد به جای اصطلاح عبارت فعلی، مانند زبان‌شناسان از واژه گروه - معادل locution فرانسوی و phrase انگلیسی - استفاده می‌کند؛ از نظر بعضی از زبان‌شناسان، حتی یک واژه هم می‌تواند معنای گروه بدهد. فرشیدورد در اقسام کلمه می‌نویسد:

«ما کلمه و گروه‌های مربوط به آن را بر روی هم بر شش قسمت تقسیم کردیم: اسم و گروه اسمی، صفت و گروه وصفی، فعل و گروه فعلی، قید و گروه قیدی، صوت و گروه صوتی و حرف» (فرشیدورد، ۱۳۸۴: ۱۸۱).

نقد فرشیدورد بر خانلری درباره عبارت فعلی

«اگر مرادشان از عبارت فعلی، افعالی مانند (از دست دادن) و (از پا افتادن) است که آنها هم مرکب‌اند نه عبارت فعلی یا گروه، ولی اگر قصدشان از این‌گونه عبارت‌ها گروه فعلی است که گروه نمی‌تواند مرکب باشد، بلکه درست در مقابل آن قرار دارد مانند (به خانه رفتن) و (از مدرسه آمدن). در اینجا به جای اصطلاح دلنشین و جافتاده گروه، کلمه نامناسب دبیران زبان خارجه، یعنی (عبارت) را به کار بردند» (فرشیدورد، ۱۳۸۳: ۴۷۷).

زبان‌شناسان و عبارت فعلی

۱- باطنی

باطنی در نوشتن دستور از مبانی زبان‌شناسی و نظریات جدید بهره گرفته است و در برشمردن عیوب دستورزبان‌های موجود می‌نویسد: اکثر دستورزبان‌های موجود، عیوبی شامل: نداشتن نظریه‌ای روشن و کاربردی، مخلوط کردن گونه‌های مختلف زبانی، تجویزی بودن (فقط به امر و نهی پرداختن) و نه توصیفی بودن، تحمیل مقوله‌های زبان‌های بیگانه به زبان فارسی و تلفیق صورت و معنا را دارند (باطنی، ۱۳۷۰: ۱۴-۱۷).

باطنی همچون دیگر زبان‌شناسان و دستورنویسان، گروه را به جای عبارت به کار برده و آن را این‌گونه تعریف می‌کند:

«گروه به آن واحد زبانی گفته می‌شود که از یک کلمه یا بیشتر ساخته شده است و خود در ساختمان واحد بالاتر، یعنی بند به کار می‌رود. در سلسله‌مراتب واحدها، گروه پایین‌تر از بند و بالاتر از کلمه قرار می‌گیرد. گروه‌های فارسی به سه دسته تقسیم می‌شوند: گروه فعلی، اسمی و قیدی» (باطنی، ۱۳۷۰: ۱۱۰).

باطنی در ادامه می‌گوید که بزرگ‌ترین گروه فعلی در زبان فارسی از شش عنصر ترکیب شده است:

نه - باید - بر - داشته - شده - باشد که این جمله از شش عنصر تشکیل شده است: ۱- عنصر منفی‌ساز، ۲- فعل ناقص، ۳- عنصر غیر فعلی، ۴- فعل واژگانی، ۵- عنصر مجهول‌ساز و ۶- عنصر سازنده حالت. باطنی بعد از تعریف واحدهای مختلف زبان، درباره میزان همنشینی و روابط معنایی طبقات و گروه‌ها بیان می‌کند که طرح‌های واژگانی که دارای قدرت همنشینی بالایی هستند، توسط اهل زبان به‌وفور استفاده می‌شوند؛ مثل ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات روزمره و کلیشه‌ای که در زبان وجود دارند. برعکس، تعبیرات و اصطلاحات جدید ادبی که این حالت را ندارند، برای جافتادن نیاز به گذشت زمان و تکرار و کاربرد از سوی کاربران آن زبان دارند. بدین ترتیب، باید به این

نکته اشاره کرد که عبارتهای فعلی ضربالمثلی و کنایی، قدرت همنشینی بسیاری در حوزه زبان دارند و فقط در حوزه ادبی بررسی نمی‌شوند، بلکه باید در هر دو حوزه مورد توجه قرار گیرند.

۲- مشکوةالدینی

در کتاب دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، تعریفی متفاوت از گروه فعلی، نسبت به دیگر زبان‌شناسان ارائه می‌دهد و متمم، مفعول و گروه قیدی را جزء گروه فعلی می‌داند. وی جمله را به دو قسمت نهاد و گزاره تقسیم می‌کند؛ گروه فعلی را در جایگاه گزاره قرار می‌دهد و اعتقاد دارد که گروه فعلی به یک یا چند واحد نحوی کوچک‌تر تقسیم می‌شود و در واقع، هسته اصلی آن، فعل است. مشکوةالدینی در مورد فعل مرکب می‌نویسد:

«به‌طور کلی، فعل اصلی واژگانی از نظر عناصر سازنده آن در سه دسته قرار می‌گیرد: فعل ساده، پیشونددار و فعل مرکب» (مشکوةالدینی، ۱۳۷۴: ۱۵۸).

در بحث گروه (عبارت) فعلی که با موضوع مقاله مرتبط می‌باشد، می‌توان گفت که مشکوةالدینی جزء معدود زبان‌شناسانی است که گروه فعلی را به واحدهای کوچک‌تری تقسیم کرده، سازه‌های متفاوتی برای آن ارائه نموده است. در ادامه بحث، وی به دسته‌ای از فعل‌های مرکب با تجزیه روستاخی (گروه حرف اضافه‌ای + عنصر فعلی) اشاره می‌کند که این ساختار دقیقاً مطابق با عبارت فعلی است: از حال رفتن. این دسته از فعل‌ها در دستور سنتی، عبارتهای فعلی نامیده می‌شوند. مشکوةالدینی به معنای اجزای سازنده فعل مرکب توجه می‌کند و مطابق نظر دستورنویسان سنتی معتقد است که عنصر صرفی و عنصر غیر صرفی با هم ترکیب می‌شوند و معنای جدیدی را ایجاد می‌کنند.

۳- طبیبزاده

در بین زبان‌شناسانی که در این پژوهش به نظریات آنها پرداخته شده، تنها طبیبزاده با تکیه بر نظر خانلری به تقسیم ساختمان فعل پرداخته و فعل را به افعال بسیط یا ساده، پیشوندی، مرکب، پی‌بستی (ناگذر) و عبارت‌های فعلی تقسیم کرده است. وی اولین محققی است که به روابط نحوی میان اجزاء عبارت فعلی توجه کرده است:

«عبارت‌های فعلی به افعالی اطلاق می‌شود که اولاً در اکثر موارد شامل بیش از دو کلمه هستند و دوم اینکه گرچه یک واحد مستقل واژگان محسوب می‌شوند، روابط میان اجزاء آنها از نوع روابط نحوی است: از نفس افتادن، آب در هاون کوبیدن، دم سیخ کردن، کلاه سر کسی گذاشتن، به گور پدر کسی خندیدن، پدر کسی را درآوردن و ...»
(طبیبزاده، ۱۳۸۵: ۹۲).

طبیبزاده افعال مرکب و عبارت‌های فعلی، هر دو، را از واحدهای واژگانی زبان فارسی برمی‌شمارد، ولی بین آن دو تفاوت قائل می‌شود. وی عبارت‌های فعلی را برحسب کاربرد ضمیر به دو دسته «عبارت فعلی ضمیردار» و «عبارت فعلی بدون ضمیر» تقسیم کرده است.

۴- وحیدیان کامیار

«فعل را از لحاظ ساختمان به سه دسته ساده، پیشوندی و مرکب تقسیم می‌کند و در تعریف فعل مرکب می‌نویسد: اگر پیش از فعل ساده یا پیشوندی یک یا چند تکواژ مستقل بیاید و با آن ترکیب شود، کلمه حاصل فعل مرکب است چون: حاصل کرد، دریافت کرد و ...» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۷: ۵۷). «برخی از فعل‌های مرکب نیز در حقیقت، عبارت‌های کنایی هستند که امروزه دیگر از نظر ادبی جزء کنایه‌های غیر زایا (= مرده) محسوب می‌شوند» (همان: ۵۹). وی سپس، فعل‌های مرکب را به دو دسته زیر تقسیم می‌کند:

الف) فعل‌های مرکب با هم‌کرد؛ مانند: فروگذار کردن، پدید آمدن، دست‌یافتن، حاصل کردن، دریافت کردن و ...

ب) عبارت‌های کنایی مرده یا عبارت‌های فعلی؛ مانند: به حرف آمدن، دربرگرفتن، در نظر گرفتن، به هدر دادن، بر جای ماندن، دست برداشتن و ...

وحیدیان کامیار (۱۳۸۷: ۹) گروه را واحدی از زبان - یک کلمه یا بیشتر - که در ساختمان جمله به کار می‌رود، تعریف می‌کند:

«گروه اسمی: همان دو دستگاه ساختمان بزرگ روبه‌آفتاب گروه فعلی: گفت نمی‌رود

مهم‌ترین عضو گزاره، گروه فعلی است که دست کم از دو تکواژ اجباری (بن فعل + شناسه) تشکیل می‌شود (رفت + م)».

تعریف جدید عبارت فعلی

مجموعه کلماتی که از دو حرف بیشتر باشد؛ معنای مجازی داشته باشد؛ گاهی اوقات با حرف اضافه می‌آید و امکان حذف حرف اضافه در آن وجود دارد؛ حاصل آن فعل مرکب، فعل ساده و حتی عبارت فعلی دیگری است که هسته اصلی آن، فعل است و می‌تواند یک ضرب‌المثل، کنایه، اصطلاح و هر عبارتی باشد.

نکته اینجاست که هر عبارت فعلی می‌تواند چند معنای ثانوی داشته باشد و هر کدام در هر جمله با توجه به محتوای جمله، معنای مختص به خود داشته باشد؛ مانند «از دست رفتن» که دارای معنای ای چون: بی‌حال شدن، خسته شدن، مردن، از بین رفتن، غیر قابل استفاده شدن و ... است. یکی از معنای «از دست رفتن»، «تباه شدن» است که مفهوم ظاهری کل کلمات عبارت، معنای آن را به ذهن القا می‌کند.

«این افعال از نظر نقشی به‌عنوان کل واحد با مقوله فعل در جمله عمل می‌کنند. از نظر ساختی (structural) دارای عناصر مشخص نحوی و ساخت‌های معینی هستند و از نظر معنایی (semantic) نیز یک کلیت معنایی پدید می‌آورند» (طیب‌زاده، ۱۳۷۳ الف).

با توجه به توضیحات خانلری از لحاظ ساختاری، می‌توان ساختار جدیدی را از عبارت فعلی ارائه کرد. همان‌طور که در مثال‌های بالا آورده شد، ضرب‌المثل، کنایه و عبارت فعلی، همه می‌توانند عبارت فعلی باشند با ساختارهای گوناگون که در بعضی از آنها حرف اضافه به‌کار رفته و در برخی دیگر به‌کار نرفته است؛ در بعضی ضمیر دیده می‌شود و در برخی دیگر ضمیر وجود ندارد.

عبارت فعلی از بُعد ساختاری

۱- عبارت فعلی با حرف اضافه متداول

این‌گونه از عبارت فعلی، کاملاً مطابق با ساختاری است که خانلری بیان کرده است. این ساختار از حرف اضافه و اسم و مصدر فعلی تشکیل شده و در جایگاه فعل در جمله قرار می‌گیرد و نقش آن را ایفا می‌کند و حاصل مجموع کلمات، مساوی با یک فعل ساده یا مرکب و یا عبارت فعلی دیگری است. البته باید به اسمی که پس از حرف اضافه نقش متممی را می‌پذیرد، توجه داشت، زیرا که در تمامی عباراتی که براساس این ساختار تولید می‌شوند، این نقش را دارا هستند:

(حرف اضافه + اسم (صفت) + مصدر فعلی)

به‌کارافتادن = تأثیرکردن، مؤثربودن

هیچ حیلتی نمانده است که من نکردم تا عبدالله را بر دل این مرد بد کنم و به‌کار نمی‌فتند.

۲- عبارت فعلی با حرف اضافه نامتداول

این ساختار کاملاً با ساختار قبل یکی است و تنها تفاوتی که با آن دارد، این است که در آن از حروف اضافه‌ای استفاده شده است که اکنون متداول نیست و کاربردی ندارد:

باز جای شدن = به‌جای آمدن، برگشتن

چو آمد دل نامور باز جای

به تخت کیان اندر آورد پای

(احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۱۱۳۸)

۲- عبارت فعلی با حرف اضافه «به» زایدنما

«گاهی در متون کهن - و به‌ندرت در آثار معاصران کهنه‌گرا - عبارت فعلی با حرف اضافه (به) می‌آید که به‌نظر می‌رسد حرف اضافه (به) زاید است و ترکیب در اصل فعل مرکب و یا تمیز و فعل تمیزی مرکب است نه عبارت فعلی. من تو را به ارزانی دارم (بلعمی / ۹۷۲) = من تو را ارزانی دارم» (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۱۱۳۹).

۴- عبارت فعلی با حذف حرف اضافه

با توجه به‌نظر گیوی به‌نظر می‌رسد که این ترکیب، عبارت فعلی نیست و فعل مرکب یا تمیز است؛ ولی در واقع، ترکیب همان عبارت فعلی است که حرف اضافه آن در گذر زمان و تکرار آن توسط کاربران، حذف و بدون کاربرد باقی مانده است. تمامی مثال‌هایی که گیوی ذکر کرده فقط در مورد حرف اضافه «به» است.

خانلری هم در بحث از عبارت فعلی، بعد از ذکر شاهد، می‌گوید که عبارت‌هایی وجود دارد که حرف اضافه آنها حذف شده است و عبارت، شبیه فعل مرکب شده است.

«به فریاد خواندن = فریاد خواندن»

گفت ترسیدم که اگر بگذارم مبدا خدای تعالی را به فریاد خواند ...» (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۱۱۴۰).

«این تمایل به حذف حرف اضافه در فارسی کم‌کم شدیدتر شده تا آنجا که در زبان محاوره امروز امری جاری و عادی است» (ناتل خانلری، ۱۳۷۲: ۱۷۱).

۵- عبارت فعلی ضمیردار

عبارت‌هایی که در ساختار آنها از ضمیر استفاده شده، عبارت‌های فعلی ضمیردار نامیده می‌شوند. این نام‌گذاری نخستین بار توسط طبیب‌زاده صورت گرفته است. در ساخت این عبارات، ضمائر مبهمی چون «کسی» و «چیزی» بیشترین کاربرد را دارند. نوع ضمائر به کاررفته در این عبارات بدین ترتیب است:

الف) ضمیر شخصی متصل: پا روی دمم نگذار

ب) ضمیر شخصی منفصل: پا روی دم من نگذار

ج) ضمیر مشترک: به خود گرفتند

د) ضمیر غیر شخصی

«ضمیر متصل در این ترکیبات را می‌توان ضمیر در افعال غیر شخصی یا با اندکی تسامح، ضمیر غیر شخصی نامید» (طبیب‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۱). اختش شدن (با او آخت شدن)، بدش آمدن، بیزاری‌اش گرفتن، باورش شدن و ... این نوع ضمیر بیشتر در گفتار عامیانه استفاده می‌شود. در دستور زبان فارسی ۲ (احمدی گیوی، ۱۳۸۲: ۲۷) این ساخت، فعل لازم یک‌شخصه نامیده شده و خانلری آن را فعل ناگذر نام نهاده است (خانلری، ۱۳۶۶: ۱۷۶).

ه) ضمیر مبهم: به باد چیزی گرفتن

۶- عبارت‌های فعلی بدون ضمیر

می‌توان همه عبارت‌های فعلی‌ای را که ضمیر در آنها ذکر نشده، در گروه عبارت‌های فعلی بدون ضمیر قرار داد. این نام‌گذاری توسط نگارندگان انجام شده و از کسی تأثیر نپذیرفته است؛ مانند: فریاد رسیدن (به فریاد رسیدن).

۷- عبارت فعلی ویژه

گیوی در تقسیم‌بندی عبارت‌های فعلی، از گروهی به نام عبارت‌های فعلی ویژه نام برده است: «گاهی در متون کهن و نو ساختار ویژه‌ای دیده می‌شود

مرکب از حرف اضافه (بر) + ضمیر اشاره آن و به‌ندرت (این) + فعل ربطی استیدن و به‌ندرت بودن یا شدن به‌معنای مصمم‌بودن بر، تصمیم‌گرفتن بر، عقیده داشتن بر ...

بر آنی که اندر جهان تیغ‌وار

نبندد کمر چون تو دیگر سوار

(فردوسی / ۱۱۳ / ۵) «احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۱۱۴۱»

عبارت‌های فعلی از بُعد معنایی

۱- عبارت فعلی کهن کاربرد

گیوی این ساختار را «عبارت فعلی کهن‌ساختار» نامیده است که این تقسیم‌بندی جنبه معنایی دارد. این نوع ساخت، امروزه کاربردی ندارد و در مقابل عبارت فعلی عامیانه یا جدید قرار دارد؛ مانند: به دل بستن (حرف اضافه + اسم + مصدر). این نوع عبارت فعلی، امروزه سترون شده است و زایا نیست. «واجب است که به دل بندد (بلعمی / ۷۷۹)» (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۱۱۳۴).

۲- عبارت فعلی امروزی (عامیانه)

اصطلاحات و عبارت‌های فعلی، مولود هر زبان است و برخی از این واژه‌ها به‌سبب کثرت استعمال به زبان مردم کوچه و بازار راه یافته، جزئی از زبان معیار را تشکیل می‌دهد؛ عبارت‌هایی چون «از رو رفتن: حاجی از رو نمی‌رفت. (هدایت / ۷۴)» (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۱۱۳۴).

فرشیدورد از این افعال به‌عنوان فعل‌های مرکب عامیانه نام برده است؛ با مثال‌هایی چون: «به تته‌پته افتادن، به روغن‌سوزی افتادن» (فرشیدورد، ۱۳۸۳: ۴۵۹).

۳- عبارت فعلی کنایی

عبارت‌هایی را که در قالب کنایه‌اند و معنایی جز معنای ظاهری دارند، «عبارت‌های کنایی» می‌نامیم. منظور این است که اگر بخواهیم یک کنایه (آب در هاون کوبیدن) را از نظر معنایی بررسی کنیم، و حرف اضافه‌ای - با توجه به نظر برخی زبان‌شناسان - برای آن در نظر نگیریم، عبارتی از این کنایه، به همراه مفهوم ثانوی، حاصل می‌شود که عبارت فعلی کنایی (حاصل از کنایه) نام دارد.

فرشیدورد (۱۳۸۳: ۴۵۹) این عبارت‌ها را فعل مرکب کنایی و مجازی نام نهاده است:

«گاهی همه یا بعضی از اجزای مرکب دارای معنای کنایی یا مجازی است که این امر سبب ایجاد ترکیب یا تقویت آن می‌گردد. مثال برای این گونه افعال مانند: جهان را وداع گفتن.»

واحد واژگانی کنایه در کتب دستور زبان فارسی به همین نام مشهور شده است، ولی بعضی زبان‌شناسان آن را در گروه فعل مرکب قرار داده‌اند. مخصوصاً کنایه در فعل یا مصدر که حاصل معنای این عبارت، بیشتر اوقات فعل مرکب است.

«فعل یا مصدر یا اصطلاحی که در معنای فعل و مصدر و اصطلاح دیگری به کار رفته باشد، این رایج‌ترین نوع کنایه است» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۷۶).

گیوی این عبارت‌ها را در قالب بخشی جداگانه به نام (گروه فعلی)، در قالب ساختمان فعل قرار داده است و می‌نویسد:

«این گونه ترکیب‌ها در دستورهای موجود محلی از اعراب ندارد؛ با توجه به اینکه فعل، رکن اصلی جمله است؛ ترکیب این گروه واژگان تأویل به جمله می‌شوند و حتی گاهی مفهوم و جانیشینی یک فعل مرکب یا

ساده‌ای را دارند. مانند: (رخت از جهان فانی بر بستن) یعنی مردن. این ترکیب‌ها را گروه فعلی یا گروه فعلی کنایی می‌توان نامید» (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۱۱۴۱).

۴- عبارت فعلی ضرب‌المثلی

«گفتاری کوتاه و شایع و معمولاً در قالب بیانی کلیشه‌ای و بیان‌کننده حالتی نمادین با معنایی عمیق و اندرزگونه و دارای مصادیق متعدد که موضوع یا رویداد مورد مجادله یا بحث را به آن تشبیه کنند» (احمدی گیوی، ۱۳۸۲: ۴۸۱۶).

عبارات پندآموزی که به دلیل کثرت استعمال در جامعه رایج می‌شوند و نشان‌دهنده فرهنگ و اخلاقیات مردم هستند، «ضرب‌المثل» نامیده می‌شوند. در این پژوهش، هر عبارتی که در جایگاه فعل قرار گیرد و یا حاصل معنایی آن، جمله فعلی باشد، در زمره عبارت‌های فعلی آورده شده است.

ضرب‌المثل ریشه فرهنگی- اجتماعی دارد؛ یعنی براساس اتفاق یا داستانی که در گذشته رخ داده و مورد توجه مردم آن دوران قرار گرفته، پدید آمده است و خود، چکیده و کوتاه‌شده موضوعات و داستان‌های اخلاقی گذشتگان است که کم‌کم به نسل‌های بعدی منتقل شده است و به همین ترتیب، این داستان تراش‌خورده و خوش‌ترکیب شده و در هر دوره‌ای یک دسته از واژه‌های اضافی از آن کسر شده که در نتیجه، به صورت عبارت ضرب‌المثلی در اختیار مردم جامعه قرار گرفته است؛ مانند: شمشیر را از رو بستن (دشمنی کردن).

ساختار جدید عبارت‌های فعلی

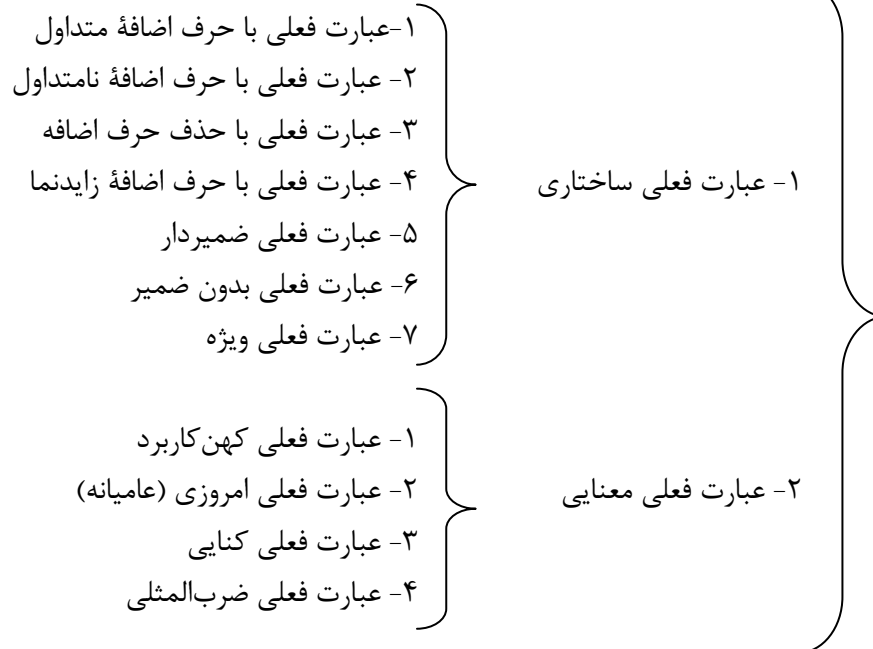
سعی شده است که با تلفیق نظر دستورنویسان و زبان‌شناسان، عبارت‌های فعلی از لحاظ ساختاری و معنایی بررسی شده، به دسته‌های جدید تقسیم شوند تا از حالت تک‌ساختاری خارج گردند. با وجود نام‌گذاری‌های مشابهی چون: گروه

فعلی، فعل گروهی، افعال اصطلاحی و عبارت فعلی که برای این واحد واژگانی صورت گرفته است، باید دقت کرد که در اصل موضوع عبارت فعلی به عنوان یکی از اشکال ساختمان فعل، تغییری ایجاد نشده است. با تقسیم این واحد به دو دسته ساختاری و معنایی، متوجه ارزش کاربردی آن در حوزه زبان و ادب می‌شویم.

مهم‌ترین نکته عبارت فعلی، جدا از بُعد ساختاری، بُعد معناشناسی آن است که متأسفانه کمتر به آن توجه شده است و بدون در نظر گرفتن آن، مشکلاتی در فهم کلام و انتقال پیام ایجاد می‌شود و در بحث ترجمه مشکلاتی به وجود می‌آید.

با توجه به مباحث مطرح شده، نموداری از ساخت‌های عبارت فعلی ارائه می‌شود:

نمودار جدید ساخت عبارت‌های فعلی



نتیجه

عبارت فعلی یکی از مقوله‌های ساختمان فعل است که از دیرباز در زبان فارسی وجود داشته است و می‌توان از آن به‌عنوان یکی از راه‌های فارسی‌سازی، معادل‌سازی و واژه‌سازی در مقابل زبان‌های بیگانه، به‌خصوص در امر ترجمه استفاده کرد. امروزه نیز مردم در اصطلاحات عامیانه به‌وفور از آن استفاده می‌کنند و می‌توان نتیجه گرفت که عبارت فعلی نه‌تنها یک مقولهٔ مرده نیست، بلکه زنده و پویا و در حال گسترش است.

چنان‌که نموده شد، تا به حال توجه چندانی به مقولهٔ عبارت فعلی نشده و در آثار و تحقیقات پیشین، برای اولین بار خانلری به این ساخت از فعل پرداخته است. بعد از خانلری پیروان او در کتب دستوری خود دقیقاً تعریف وی را نقل کرده‌اند و تاکنون نیز این روند ادامه دارد؛ مگر برخی از زبان‌شناسان که به‌جای اصطلاح عبارت فعلی از گروه فعلی (phrasal verbs) سود جست‌ه‌اند. آنها تمامی جملات و اصطلاحاتی را که معنای ثانوی داشته باشد، گروه فعلی می‌نامند.

در این مقاله کوشش شد با توجه به نظریات دستورنویسان و زبان‌شناسان، ساختارهای جدیدی از عبارت فعلی معرفی گردد. می‌توان گفت اگر بهایی که دستورنویسان و زبان‌شناسان ایرانی به فعل مرکب دادند، به عبارت فعلی می‌دادند، در دستگاه واژه‌سازی قدرت بیشتری داشتیم و می‌توانستیم معادل‌های بیشتری بسازیم.

بهره‌مندی از ساخت‌های عبارت فعلی و وقوف بر آنها، به‌کمک مترجمان آمده، میزان استفادهٔ آنها را از لغات بیگانه پایین خواهد آورد و بدین‌صورت، خدمت شایانی در عدم استخدام واژه‌های بیگانه و ساختن واژگان فعلی جدید خواهد نمود.

منابع و مأخذ

ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۸۵). *دستور تاریخی زبان فارسی*. تهران: سمت.

- احمدی گیوی، حسن. (۱۳۸۰). *دستور تاریخی فعل*. تهران: قطره.
- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری. (۱۳۸۲). *دستور زبان فارسی ۲*. چاپ بیست و دوم. تهران: فاطمی.
- ارژنگ، غلامرضا. (۱۳۸۷). *دستور زبان فارسی امروز*. چاپ پنجم. تهران: قطره.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.
- سلطانی، اکرم. (۱۳۸۶). «تحول حوزه معنایی برخی از افعال و عبارتهای فعلی». *فصلنامه زبان و ادب*. ش ۳۴. صص ۴۸-۶۸.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). *بیان*. چاپ سوم. تهران: نشر میترا.
- طیب‌زاده، امید. (۱۳۷۳ الف). «طبقه‌بندی و ضبط افعال اصطلاحی فارسی (بخش اول)». *نشر دانش*. سال ۱۴. ش ۳. صص ۳۱-۳۶.
- _____ (۱۳۷۳ ب). «طبقه‌بندی و ضبط افعال اصطلاحی فارسی (بخش دوم)». *نشر دانش*. سال ۱۴. ش ۴. صص ۲۰-۲۴.
- _____ (۱۳۸۰). «عبارتهای فعلی ضمیردار در زبان فارسی». *نامه فرهنگستان*. دوره ۵. ش ۲. صص ۸-۲۰.
- _____ (۱۳۸۵). *ظرفیت فعل و ساخت‌های بنیادین جمله در فارسی امروز*. چاپ اول. تهران: مرکز.
- غلامحسین‌زاده، غلامحسین. (۱۳۸۶). *راهنمای ویرایش*. چاپ ششم. تهران: فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۴). *دستور مفصل امروز*. چاپ دوم. تهران: سخن.
- مشکوة‌الدینی، مهدی. (۱۳۷۴). *دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری*. چاپ چهارم. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- مدرسی، فاطمه. (۱۳۸۶). *از واج تا جمله*. تهران: نشر چاپار.
- ناتل خانلری، پرویز. (۱۳۶۶). *تاریخ زبان فارسی*. تهران: نشر نو.
- _____ (۱۳۷۲). *دستور تاریخی زبان فارسی*. تهران: توس.

وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی. (۱۳۸۷). *دستور زبان فارسی ۱*. چاپ
یازدهم. تهران: سمت.